

## پرستش، تعلیم و تربیت و «فلسفه و کودک»

مسلم شجاعی؛<sup>۱</sup> ابوطالب عوض زاده؛<sup>۲</sup> صادق رضایی<sup>۳</sup>

نتیجه تحقیق نشان می‌دهد کودکان همانند هر انسانی، صاحب تفکر و اندیشه‌اند و علاوه بر این فطرتاً کنجکاو هستند. با جهت دادن به حس کنجکاو کودک می‌توان آنان را اندیشمندانی خلاق بار آورد. این خلاقیت سبب رشد عقلانی کودک می‌شود و با این روش است که کودک، متفکر و منتقد بار می‌آید و سپس می‌آموزد با انتقاد از اندیشه‌ی، ذهن خود را بسمت اندیشه‌ی برتر که از خلاقیت کودک سرچشمه می‌گیرد، سوق دهد. اما عدم پرورش تفکر خلاقانه، تقلیدی بودن رفتار فرد را به همراه دارد که در اینصورت قدرت تفکر و انتقاد را از کودک سلب می‌کند.

### کلیدواژگان

پرستش، تعلیم و تربیت، «فلسفه و کودک»

### مقدمه

یکی از پایدارترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیلترین ابعاد وجود انسانها، حس نیایش و پرستش است. مطالعه آثار زندگی بشر نشان می‌دهد که همواره نیایش و پرستش همراه انسان بوده و تنها شیوه و معبود آن متفاوت بوده است؛ از نظر شکل و شیوه می‌توان گفت از انواع رقصها و حرکات دسته‌جمعی موزون همراه با یک سلسله اذکار و اوراد تا عالیترین خضوعها و خشوعها را دربرمیگرفته است.<sup>(۱)</sup>

شناخت خدای یگانه بعنوان کاملترین ذات با کاملترین صفات، منزّه از هرگونه نقص و کاستی و شناخت رابطه او با جهان که آفرینندگی و فیاضیت، عطوفت و رحمانیت است، عکس‌العملی در ما ایجاد میکند که از آن به «پرستش» تعبیر میشود.<sup>(۲)</sup>

### چکیده

نیاز به پرستش و نیایش یکی از نیازهای اساسی است که در عمق روان بشر وجود دارد. انسان به اقتضای فطرت و سرشت خویش به خدا و پرستش او گرایش دارد. این گرایش پدیده‌ی بی‌خارج از وجود انسان نیست، بلکه در عمق جان و ضمیر او ریشه دارد و اگر جز این بود، اساساً مفهوم خداپرستی تحقق نمی‌یافت. اسلام برای اینکه پیروانش را بسوی پرستش و اکمال در بعد روحی و معنوی حرکت دهد، دستوراتی را ارائه داده است. در تفکر اسلامی، انسان در مقام جانشین خدا، خلافت الهی بر روی زمین عهده‌دار امور است. برای کسب این مقام، باید از دوران خردسالی، زمینه‌سازها و اقدامات لازم صورت گیرد تا کودک آمادگی پذیرش تکالیف الهی را در زمان بلوغ پیدا کند. بنابراین از همان دوران کودکی لازم است فلسفه نیایش و پرستش را به کودک تعلیم داد و او را در مسیر دستورات اسلام تربیت نمود. از اینرو نوشتار حاضر با هدف بررسی نیایش و پرستش، تعلیم و تربیت و «فلسفه و کودک» به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع می‌پردازد و مباحثی چون: حقیقت پرستش و تأثیر آن بر انسان، آثار نیایش و پرستش در زندگی، انگیزه پرستش، ریشه‌های پرستش و فواید آن، محتوای پرستش، اهمیت تربیت و تفکر فلسفی برای کودکان و نقش تعلیم و تربیت فلسفی کودکان در توجه به نیایش و پرستش را بررسی مینماید.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم تحقیقات تهران

(نویسنده مسئول): Moslem.shojae@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم تحقیقات تهران

۳. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، عضو هیئت علمی دانشگاه امین

مطابق منابع اسلامی، برای ما مسلم و متقن است که میل به پرستش، نیایش، کمال‌طلبی و حقیقت‌جویی در بشر، فطری و درونی است. این موضوع را شواهد تاریخی (پرستش بت خورشید و حیوانات و... ساختن بهترین مکانها برای معابد) و آیات و روایات تأیید میکند.

خداوند در قرآن مجید میفرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ پس روی خود بسوی دین حنیف کن که مطابق فطرت خداست؛ فطرتی که خدا بشر را بر آن فطرت آفریده و در آفرینش خدا دگرگونی نیست، این است دین مستقیم، ولی بیشتر مردم نمیدانند» (روم/۳۰).

همچنین بصراحت هدف از آفرینش را عبودیت معرفی کرده و میفرماید:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و ما جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند» (ذاریات/۵۶).

اما روشن است که هر کس به مقدار شناخت و معرفتی که به خدا دارد، او را اطاعت و بندگی میکند و کمترین مقدار بندگی نیز نیاز به کمترین و حداقلی از شناخت و معرفت دارد و اساساً درجات و ارزش بندگی نیز به مقدار شناخت بنده بستگی دارد؛ از اینرو امام حسین(ع) هدف از آفرینش را معرفت و شناخت دانسته و میفرماید با شناخت است که انسان به بندگی میرسد:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ وَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَعْنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ؛ ای مردم! خداوند بندگان را تنها برای این آفرید که او را بشناسند، پس اگر او را شناختند، عبادتش خواهند کرد و با عبادت کردنش، از عبادت دیگران بی‌نیاز میشوند».<sup>(۳)</sup>

همه انسانها بطور فطری کنجکاو و کاوشگر بوده و میل به پرستش و نیایش در وجودشان موج میزند. اسلام، دینی است که تعلیم و تعلم را از زمان کودکی واجب می‌شمارد؛ چنانکه پیامبر اکرم(ص) میفرماید: «العالم فی

**هر نوزادی بر فطرت سالم الهی زاده میشود، لیکن این پدر و مادر هستند که گاه او را با تربیتهای ناشایست خویش از صراط مستقیم منحرف میسازند.**

الصغر كالنقش فی الحجر؛ دانش در کودکی، مانند نقش است بر سنگ». انسان از کودکی دارای نیروی بالقوه‌یی بنام «تفکر» است که بهترین راهنما برای اوست.<sup>(۴)</sup> غزالی معتقد است:

تربیت دینی باید از سنین پایین آغاز شود؛ زیرا در این سن کودک بدون طلب دلیل و برهان، آماده پذیرش عقاید دینی است. از طرف دیگر، نهادینه کردن معانی دینی با تلقین و تقلید آغاز میشود و سپس با توجه به مراحل گوناگون رشد، دستورات مناسب هر مرحله بتدریج عرضه میگردد و در پایان به پدید آمدن باورهای عمیق و محکم در ذهن انسان می‌انجامد.<sup>(۵)</sup>

جان لاک نیز معتقد است که تربیت دینی را باید از کودکی آغاز کرد و میگوید: «اندیشه خدا را از همان آغاز کودکی میتوان در نهاد فرزندان مان جای داده، عشق و احترام به خدا را در روانشان بدمیم».<sup>(۶)</sup>

تربیت کودک، گونه‌یی تعلیم از راه آموزه‌ها نیست، بلکه تلقین پاره‌یی اندیشه‌ها از راه تقلید پاره‌یی اعمال است. هنگامی که کودک در زمینه‌یی عقلانی - برهانی پرورش پیدا کند، آنگاه میتوان درباره فلسفه‌ورزی یا «فلسفه و کودک» سخن گفت و پیش از این اساساً چنین امری امکانپذیر نیست.<sup>(۷)</sup>

تربیت فلسفی در کودکان امری جدی است که باید نه فقط در مدارس بلکه در خانواده‌ها نیز به آن توجه داشت، زیرا بسیار میتواند راهگشا باشد؛ چون در آن، غیر از توجه به عقل، تکیه بر وحی نیز ملحوظ است. تربیت فلسفی توأم با تقوا و ایمان منجر به تجلی ربوبیت رب در مرتبه‌یی میشود و مربی در اینجا مصداق دست پاک، زبان پاک و گوش و چشم الهی است که مربی را در ظهور محبت و معرفت و حکمت راهنمایی میکند.<sup>(۸)</sup>

وارد آمدن فشارهای فراتر از توانمندی آدمی، باعث اضطراب میشود که تحمل آن در دراز مدت از توان انسان خارج است. از اینرو بهترین راه برای نجات از اضطراب و نگرانی، دعا و نیایش با خدای سبحان است؛ چراکه دعا، برقراری ارتباط انسان با خداست؛ خدایی که بر هر کاری توانا بوده و از رگ گردن به بندهاش نزدیکتر است.

### بیان مسئله

در اسلام هدف از آفرینش انسان، پرستش یاد شده است، تا بتواند بر اثر ارتباط با اصل، مبدأ و خدای خویش، روح الهی و صفات ربانی را در خود تقویت و حراست کند و نگذارد روزمرگیهای زندگی او را از اصل خود جدا کرده یا غافل سازد. حس پرستش فطری است و از همان کودکی در وجود انسان نهفته است. کودکان همگی با فطرت الهی و همراه با روحی پاک زاده میشوند و حس خداپرستی بطور طبیعی در ایشان پدید می‌آید و سپس رشد یا افت مییابد. در واقع، این محیط اطراف است که با تأثیر مستقیم و غیرمستقیم خود، زمینه هدایت یا گمراهی کودکان را فراهم می‌آورد؛ گرچه اراده آزاد انسان هیچگاه از میان نمیرود و حق اختیار و انتخاب در هر حال باقی است. بر همین اساس، پیامبر اکرم (ص) میفرماید:

هر نوزادی بر فطرت سالم الهی زاده میشود، لیکن این پدر و مادر هستند که گاه او را با تربیتهای ناشایست خویش از صراط مستقیم منحرف میسازند.<sup>(۹)</sup>

امیرمؤمنان علی (ع) نیز در سفارش نامه‌یی به فرزندش امام حسن (ع) مینویسد: «همانا جان و روان خردسالان همچون زمین بایری است که در آن هر نوع دانه و تخمی افشانی، آن را میپزیرد و رشد و نمو میدهد».<sup>(۱۰)</sup>

همه کودکان بطور فطری کنجکاو و کاوشگر بوده و بدنبال پاسخ سؤالاها و چراهای خود هستند و میل به

پرستش و نیایش در وجودشان موج میزند. تجربیات و مشاهدات نیز مؤید این موضوع است که کودکان در تقلید و یادگیری مفاهیم و مسائل دینی همچون نماز و روزه آمادگی بیشتری در مقایسه با دیگر رفتارها و موضوعات از خود نشان میدهند. این موضوع مؤید فطری بودن خداجویی کودکان است.

کودکی اساس زندگی آینده هر انسانی است و هر آنچه در کودکی در حوزه‌های اخلاقی، باورهای دینی و مسائل علمی به او آموزش داده شود، در بقیه دوران زندگی با وی همراه خواهد بود. از اینرو مسئله اصلی تحقیق حاضر این است که روشن سازد تعلیم و تربیت فلسفی کودک چه نقشی در شناخت او از خداوند و نیایش و پرستش الهی در دوره‌های دیگر زندگی دارد.

### روش تحقیق

روش پژوهش حاضر، کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی است و از راه فیش برداری آنگاه تشابهات و تفاوتها مورد بررسی قرار گرفته و به پرسشهای پژوهش پاسخ داده شده است:

#### ۱. حقیقت پرستش چیست و چه تأثیری بر انسان دارد؟

پرستش حقیقتی است که اعمال عبادی ما در واقع شکل دادن و قالب ساختن برای آن حقیقت و آن تجلی فطری است که در ما وجود دارد.<sup>(۱۱)</sup>

بعبارت دیگر، شکل و قالب و اندامی است که از سوی خداوند برای این حقیقت درونی ما تعیین شده است؛ حقیقتی که ما چه بفهمیم و چه نفهمیم، چه به آن توجه داشته باشیم و چه نداشته باشیم در عمق فطرت ما وجود دارد.<sup>(۱۲)</sup>

انسان، آن حقیقت معبود را در عبادت ستایش میکند. در عبادت، خارج شدن از محدوده کوچک خودی و خارج شدن از محدوده آمال و تمنیات کوچک، محدود و موقت است. بعبارت دیگر، در عبادت، انسان از دایره

تمنیات و آمال کوچک خارج میشود. در عبادت، ارتجاع هست، انقطاع هست و استعانت و نیرو گرفتن و کمک خواستن هست<sup>(۱۳)</sup> در عبادت واقعاً انسان از محدوده خودخواهیها، خودپرستیها، آرزوها، تمناها و امور کوچک پرواز میکند و بیرون میرود. معنی تقرب هم همین است. بزرگترین، شریفترین، باشکوهترین و باعظمتترین حالت انسان آن حالت پرستشانه‌یی است که به خود میگیرد.<sup>(۱۴)</sup>

## ۲. نیایش و پرستش چه تأثیری در زندگی دارد؟

نیایش در زندگی و سرنوشت انسان، آثار ارزشمندی داشته و در معارف دینی، بخصوص عرفان اسلامی از اهمیت ویژه برخوردار است؛ تا بدانجا که عرفا آن را یکی از ابواب کشف و شهود حقایق برای اولیای الهی دانسته‌اند. میرزا جواد ملکی تبریزی میگوید:

بیشتر مردم، قدر نعمت مناجات را نمیدانند. مناجات شامل معارف بالایی است که جز اهلش که همان اولیای خدا هستند و از طریق کشف و شهود به آن رسیده‌اند، کسی از آن آگاهی ندارد و رسیدن به این معارف از راه مکاشفه، از بهترین نعمتهای آخرت است که قابل مقایسه با هیچکدام از نعمتهای دنیا نیست.<sup>(۱۵)</sup>

با توجه به آیات و روایات، اهم آثار نیایش را میتوان

چنین برشمرد:

### الف) آشنایی با معارف الهی

اولین اثر ارزشمند نیایش، آشنایی با معارف اسلامی است. ائمه معصوم(ع) در آداب نیایش به ما آموزش داده‌اند که هنگام دعا، ابتداء اسماء و صفات الهی، قدرت و عظمت او را یادآور شده و بر محمد(ص) و آل محمد(ع) درود بفرستید و بر ضعف و ناتوانی و گناه و کوتاهی خود در رعایت احکام الهی اعتراف نمایید، آنگاه حاجات خود را از پروردگار جهان بخواهید؛ «السؤال بعد المدح فامدحوا الله ثم سلوا الحوائج».<sup>(۱۶)</sup> یادآوری اسماء و صفات و قدرت الهی و اعتراف به عجز و ناتوانی خود، بهترین درس و منبع برای شناخت خدای سبحان و آشنایی با معارف اسلامی است. امام صادق(ع) در بیان آیه: «فلیستجیبوا لی و لیؤمنوا بی»

میفرماید: «مردم بدانند که خداوند قادر است هر آنچه را بخواهند به آنان عطا کند».<sup>(۱۷)</sup>

### ب) آرامش درونی

هر انسانی در زندگی، دچار گرفتاری و مشکلاتی شده و اضطراب و نگرانی به او دست میدهد و در برخی موارد، نجات و رهایی از آن، خارج از توان انسان است. بعبارتی، وارد آمدن فشارهای فراتر از توانمندی آدمی، باعث اضطراب میشود که تحمل آن در دراز مدت از توان انسان خارج است. از اینرو بهترین راه برای نجات از اضطراب و نگرانی، دعا و نیایش با خدای سبحان است؛ چرا که دعا، برقراری ارتباط انسان با خداست؛ خدایی که بر هر کاری توانا بوده و از رگ گردن به بنده‌اش نزدیکتر است:<sup>(۱۸)</sup> و اگر انسان چیزی از او بخواهد به او خواهد داد<sup>(۱۹)</sup> ارتباط با خدایی که بر هر امری قدرت دارد، انسان را امیدوار مینماید. از اینرو در حدیثی میخوانیم: «دعا کلید رحمت و نور و چراغی در تاریکی است».<sup>(۲۰)</sup>

بنابراین نیایش به انسان اعتماد بنفس داده و او را از یأس و ناامیدی باز میدارد و به تلاش و کوشش بیشتر دعوت مینماید و آرامش را به وی هدیه میکند.

### ج) نجات و رهایی از مشکلات

اگر انسان مؤمن، شرایط و آداب نیایش را رعایت کند، دعایش به اجابت خواهد رسید؛ چنانکه پیامبر خاتم(ص) میفرماید: «خداوند هرگاه پیامبری را میفرستاد به او میفرمود: هرگاه امر ناخوشایندی تو را اندوهگین ساخت، مرا بخوان تا پاسخ دهم. خداوند این نعمت را به امت من نیز ارزانی داشته است آنجا که میفرماید مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را».<sup>(۲۱)</sup>

### د) تحصیل نعمتهای الهی

انسانهای مؤمن با دعا و نیایش میتوانند در نعمتهای الهی را به روی خود گشوده و با استفاده از آن، موفقیتهای فراوانی را بدست آورند. پیامبر اکرم(ص) میفرماید: «برای هر حاجتی که دارید حتی اگر بند کفش باشد، دست خواهش بسوی خدای عزوجل دراز کنید زیرا تا او آن را

آسان نگرداند، آسان نشود»<sup>(۲۲)</sup> همچنین میفرماید: خداوند به موسی(ع) وحی فرمود: «ای موسی! هر نیاز داری از من بخواه حتی علوفه گوسفند و نمک خمیرت را»<sup>(۲۳)</sup> باید توجه داشت که دعا و نیایش و تقاضای فضل و عنایت پروردگار، به این نیست که انسان بدنبال اسباب و عوامل هر چیزی نرود، بلکه باید فضل و رحمت خدای سبحان را در لابلای اسبابی که او مقرر داشته است، جستجو کرد.

### هـ) منزلت نزد پروردگار

از جمله آثار دعا و نیایش، بدست آوردن ارزش و کسب منزلت، نزد پروردگار عالم خواهد بود؛ چنانکه خدای سبحان بخاطر نیایش حضرت ابراهیم(ع) از او تجلیل و تمجید نموده و میفرماید: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ» (هود/ ۷۵). امام علی(ع) نیز میفرماید: «محبوبترین عمل نزد خداوند دعا و نیایش است.»<sup>(۲۴)</sup> دوست داشتن عملی، باعث محبوبیت عامل آن خواهد شد.

### و) شفای درد و بیماری

نیایش گاهی تأثیرات شگفت‌آوری دارد؛ چنانکه بیمارانی بوده‌اند که تقریباً بطور آنی شفا یافته‌اند... این معجزه با چنان سرعتی سلامت را به بیمار بازمیگرداند که هرگز حتی امروز جراحان و نیز فیزیولوژیست‌ها در طول تجربیاتشان مشاهده نکرده‌اند. برای اینکه چنین پدیده‌هایی بروز کند نیازی نیست که حتماً خود بیمار نیایش کند، بلکه طفل کوچکی هم که هنوز قدرت حرف زدن نداشته و یا حتی افراد بی‌اعتقادی نیز شفا یافته‌اند لیکن در کنار آنها کسی نیایش کرده است. نیایشی که به خاطر دیگری انجام شود همواره اثربختر است.

### ز) دفع بلاها

انسان موجودی ضعیف و آسیب‌پذیر و در عین حال، سطحی‌نگر است تا زمانی که سختی و مشکلات گریبان‌ش را نگرفته باشد، متوجه ضعف و ناتوانی خود نبوده و مغرور و متکبر، دنیا را به کام خود میبیند. هنگامی که سرش به سنگ خورده و با مانع مواجه شود، به خود می‌آید. آموزه‌های دینی

به ما میگویند که غرور و خودخواهی را کنار بگذاریم و قبل از آنکه سختی، مشکلات و بلاها، دامنگیرمان شود با دعا و نیایش بلاها را از خود دور سازیم.

امام علی(ع) میفرماید: «امواج بلا را با دعا دفع کنید»<sup>(۲۵)</sup> یا امام صادق(ع) میفرماید: «قبل از آنکه بلا بر شما نازل شود، دعا کنید که خداوند بواسطه دعا، بلا را دفع میکند.»<sup>(۲۶)</sup>

### ۳. انگیزه پرستش چیست؟

یکی از پایدارترین تجلیات روح آدمی و یکی از اصیلترین ابعاد وجود آدمی، حس نیایش و پرستش است که همواره همراه بشر بوده و هست.

عبادت و پرستش نشان‌دهنده یک «امکان» و یک «میل» در انسان است: امکان بیرون رفتن از مرز امور مادی و میل به پیوستن به افق بالاتر و وسیعتر. چنین میلی و چنین عشقی از مختصات انسان است.<sup>(۲۷)</sup>

### ۴. چرا و چگونه باید حس پرستش را پرورش داد؟

مکتب مقدس اسلام به همه ابعاد انسان اعم از جسمی و روحی، مادی و معنوی، فکری و عاطفی، فردی و اجتماعی توجه عمیق داشته است و نه تنها جانب هیچکدام را مهمل نگذاشته، بلکه عنایت خاص به «پرورش» همه اینها بر روی اصل معینی داشته است.<sup>(۲۸)</sup>

پرورش عقل و کسب استقلال فکری و مبارزه با اموری که بر ضد استقلال عقل است، از قبیل تقلید از نیاکان و رفتار اکثریت و ...، مورد عنایت شدید اسلام است.

پرورش اراده و کسب مالکیت بر نفس و آزادی معنوی از حکومت مطلقه میله‌ها مبنای بسیاری از عبادات اسلامی و سایر تعلیمات اسلامی است. پرورش حس حقیقتجویی و علم‌طلبی و زیباطلبی و پرورش حس پرستش، هر کدام بنوبه خود مورد توجه عمیق اسلام است.<sup>(۲۹)</sup> پس از جمله اموری که ما باید به آن توجه داشته باشیم و در درجه اول در خودمان و در فرزندانمان پرورش بدهیم، همین امور فطری همچون حس پرستش



و عبادت به همان معنای واقعی آن است. از اینرو عبادت باید در ما پرورش پیدا کند تا یکی از ارکان تربیت اسلامی در ما هویدا گردد.<sup>(۳۰)</sup>

### ۵. ریشه های پرستش و فواید آن چیست؟

انسان همواره در طول تاریخ موجودی پرستنده بوده و به پرستش خدا یا خدایانی پرداخته است. اینکه انسان در پرستش چه فایده‌ها و ویژگی‌هایی را میدیده که در سیر تاریخ بدنبال آن بوده، چند انگیزه میتوان برایش برشمرد: - یکی از ابعاد وجودی انسان گرایش بسوی خداست که از آن به نام فطرت یا حس مذهبی یاد کرده‌اند. حس خداجویی که یک نیاز همگانی است همواره در طول تاریخ وجود داشته و انسانها با وجود فرهنگها و محیطهای گوناگون به آن گرایش داشته‌اند. به قول لکننت دونوئی<sup>۱</sup>:

بیرون از هر آیین و معبدی در جهان روح مذهب، میل به اعتقاد، میل پرستش بی‌قید، میل به فروتنی در عبادت کامل، میل به تعالی نفس برای نزدیک شدن به کمال مطلوبی که قابل تصور ولی قابل وصول نیست وجود داشته است. این آرزویی است که مبدایی الهی دارد، زیرا جهانگیر و در تمام ازمنه یکسان است.<sup>(۳۱)</sup>

- انسان ذاتاً میل به کمال دارد و از اینرو از دوران کودکی تا پیری میکوشد تا بسوی موقعیتی بالاتر از موقعیت موجود گام بردارد. اگرچه کمالاتی را که افراد انتخاب میکنند با یکدیگر متفاوت بوده و بستگی به وضع روانی، طرز فکر و شرایط اجتماعی دارد، ولی این امر موجب نمیشود به نفی آن پردازیم. روانشناسانی چون یونگ، آدلر و گلدشتاین نیز با بیانات گوناگون به این اصل انسانی اشاره کرده‌اند.

در مسئله پرستش نیز انسان با پرستیدن موجود برین میتواند به کمالاتی نایل آید که همین امر یکی از انگیزه‌های پرستش بشمار میرود. حتی اگر انسانی بتی را میپرستد بدون شک بر اثر آن است که گمان میکند با

پرستیدن آن میتواند کمال مطلوبی را بدست آورد. خواه نیل به این کمال برای او خودآگاه باشد و یا ناخودآگاه، چندان تأثیری در پذیرفتن یا نپذیرفتن موضوع ندارد.<sup>(۳۲)</sup>

- انسان بوسیله پرستش میتواند نقایص و خلاءهای وجودی خود را برطرف سازد. اگر به تاریخ اولیه انسانها بنگریم ملاحظه خواهیم کرد که انسانهای بدوی احساس کمبودها و یا ناتوانی‌هایی داشته‌اند که بوسیله پرستش، آنها را برطرف‌شدنی میدانستند؛ بطور مثال، احساس ناتوانی در برابر طبیعت و تسخیر آن موجب میشده تا بر اثر عدم آگاهی، اشیائی را بپرستند. البته در این میان گروهی آن اشیاء را بجهت آنکه دارای روح و قوه‌یی مرموز هستند میپرستیدند و جمعی چون آنها را مظهر و رمز حقیقتی والاتر میدانسته‌اند برای آنها در حد پرستش ارزش قائل بوده‌اند.<sup>(۳۳)</sup>

- انگیزه دیگری که موجب شده تا انسان به پرستش پردازد، این بوده که انسان در عشق و پرستش، شور و امید و حرکت و تلاش میبیند؛ چرا که از بدو تاریخ دریافته که عشق و پرستش به زندگی شور و معنا میبخشد و او را بسوی کار و فعالیت میکشاند. او از همان ابتدای حیات خویش دریافته که اگر به چیزی عشق نورزد و یا به پرستش موجودی پردازد زندگی خالی از شور و امید خواهد بود.

توضیح آنکه این عشق و پرستش است که موانع بسیاری را از سر راه زندگی آدمی برداشته و موجب تغییر ابعاد وجودی انسان میشود و استعدادهای درونی را شکوفا ساخته و به انسان قدرت و نیرو میبخشد.<sup>(۳۴)</sup>

- به اعتقاد برخی چون اریک فروم انسان بر اساس شرایط زیستی خود نیاز به یک الگوی جهتگیری و مرجع اعتقادی دارد. توضیح آنکه انسان موجودی خودآگاه و صاحب خرد است که همین خرد و خودآگاهی موجب بر هم زدن زندگی حیوانی او شده، وی را بر آن داشته تا به ناتوانی و محدودیت خویش پی‌برد و پایان کار خود یعنی مرگ را به تصور درآورد و از آنجا که انسان نمیتواند چونان حیوانات زندگی کند، ناگزیر است تا

یکی از انگیزه‌هایی که موجب شده تا انسان به پرستش بپردازد، این بوده که انسان در عشق و پرستش، شور و امید و حرکت و تلاش میبیند؛ چرا که از بدو تاریخ دریافته که عشق و پرستش به زندگی شور و معنا میبخشد و او را بسوی کار و فعالیت میکشاند.

وجود و هستی خود را در جهان هستی مطرح نموده، با حل آن بر خویشتن مسلط شود.

نیاز به یک نظام جهتگیری و اعتقادی نیز که یک نیاز درون ذاتی است از همینجا ریشه گرفته تا انسان بتواند تصویری از جهان و از وضع و موقعیت وجودی خود در آن بدست آورد.

نیاز دینی یعنی نیاز به الگوی جهتگیری و مرجعی برای اعتقاد و ایمان. هیچکس را نمیتوان یافت که فاقد این نیاز باشد. اما این بیان چیزی دربارهٔ زمینهٔ ویژه‌ی که نیاز مزبور در آن ظاهر میشود به ما نمیگوید.

#### ۶. محتوای پرستش چیست؟

آنچه انسان در عبادت قولی و عملی خود ابراز میدارد، میتواند از این قرار باشد:

- ثنا و ستایش خدا به صفات و اوصافی که مخصوص اوست؛ یعنی اوصافی که مفهومش کمال مطلق است؛ مثلاً علم مطلق، قدرت مطلق، ارادهٔ مطلقه که محدود و مشروط به چیزی نیست و مستلزم بی‌نیازی خداوند است.

- تسبیح و تنزیه خدا از هرگونه نقص و کاستی از قبیل فنا، محدودیت، نادانی، ناتوانی، بخل، ستم و امثالهم.

- سپاس و شکر خدا بعنوان منشأ اصلی خیرها و نعمتها و اینکه نعمتهای ما همه و همه از اوست و غیر او وسیله‌هایی است که برای ما قرار داده است.

- ابراز تسلیم محض و اطاعت محض در برابر او و اقرار به اینکه او بلاشروط مطاع است و استحقاق اطاعت و تسلیم دارد. وی از آن جهت که خداست شایستهٔ فرمان

دادن است و ما از آنجهت که بنده هستیم، شایستهٔ اطاعت و تسلیم در برابر اویم.

- او در هیچیک از مسائل شریک ندارد و جز او کامل مطلق نیست و جز او هیچ ذاتی منزله از نقص نیست؛ جز او کسی منعم اصلی و منشأ اصلی نعمتها که همهٔ سپاسها به او برگردد نیست؛ جز او هیچ موجودی استحقاق مطاع محض بودن و تسلیم محض در برابر وی شدن را ندارد. هر اطاعتی همچون اطاعت از پیامبر و امام و حاکم شرعی اسلامی و پدر و مادر یا معلم باید به اطاعت از او و رضای او منتهی شود و گرنه جایز نیست. این است عکس‌العملی که شایستهٔ یک بنده در مقابل خدای بزرگ است و جز در مورد خدای یگانه در مورد هیچ موجودی دیگر نه صادق است نه جایز.<sup>(۳۵)</sup>

۷. تربیت و تفکر فلسفی برای کودکان دارای چه

#### اهمیتی است؟

آموزش روش تفکر فلسفی و اندیشه درست، یک ضرورت بنیادی در تعلیم و تربیت است و در غیاب فلسفه روشن تربیتی، افکار ویرانگر و تحمیق‌کننده گسترش داده میشود و شور و شوق زندگی واقع‌بینانه و خردمندانه و انسانی را از میان میبرد.<sup>(۳۶)</sup>

آموزش فلسفه و تفکر فلسفی به کودکان از طریق اجتماع پژوهشی موقعیتی را بدست خواهد داد تا کودکان ضمن درک بهتری از مجهولات خود، در کشف پاسخها مشارکت فعال نمایند و با درک لذت دانستن، اعتماد بنفس بیشتری پیدا کنند. فراهم نمودن چنین فرصتی با استفاده از روش اجتماع پژوهشی که با بحث و گفتگو همراه است نه فقط در جهت درک عقاید دیگران بلکه برای کشف و ابداع عقاید و ایده‌ها و روشن کردن ارزش بازنمایی و بحث خود اصلاحگری بمنظور بالا بردن فهم و حل مشکلات آتی آنان مفید خواهد بود. همچنین با استفاده از روش گفتگو و فن پرسشگری در اجتماع پژوهشی، کودکان به عقاید و اندیشه‌های دیگران احترام میگذارند و در عین حال به تفکر دربارهٔ تفکر، سخن و کردارشان تشویق میشوند.<sup>(۳۷)</sup>



نخستین قدم در کمک به کودکان برای اینکه خودشان بیندیشند، این است که به آنها آموزش دهیم تا انگاره‌ها و فرایندها را از زمینه‌های اولیه‌اش انتزاع کنند و در موقعیتهای دیگر بکار برند.<sup>(۳۸)</sup>

محورهای فعالیتهای آموزشی مدارس را با توجه به رویکرد فلسفه و کودک در قرن بیست و یکم «تفکر انتقادی»، «تفکر و تخیل خلاق»، «یادگیری فعال» و «یادگیری گروهی» تشکیل خواهد داد.<sup>(۳۹)</sup>

توانایی کودکان برای تفکر انتقادی به این موارد بستگی دارد: الف) تجربه، ب) رشد خویشنداری و خودآگاهی، ج) تواناییهای زبانی و خواندن، د) شناخت موضوع.<sup>(۴۰)</sup>

ادعای ارتباط فلسفه با آموزشهای مدرسه‌یی بر این فرض استوار است که میتواند حالتی انتقادی شاگردان (نظیر تعجب کردن، درخواست معیار کردن) و استدلال، شکلدهی مفهوم، برگرداندن و مهارت جستجوگری را در آنان پرورش دهد.<sup>(۴۱)</sup>

«فلسفه و کودک» متعهد به بازساختن تاریخ فلسفه به کمک داستان و کتاب راهنماست؛ به این شکل که کودکان در معرض باورهای فلاسفه گوناگون دربارهٔ مسائلی قرار میگیرند که پذیرفته‌اند درباره‌اش تحقیق کنند. در بیشتر این موارد، این دیدگاههای گوناگون، در قالب باورهای کودکان مختلف حاضر در داستان، نشان داده میشود؛ یا همچون گزینه‌هایی مطرح میشود که قرار است در تمرینها و برنامه‌های بحث و گفتگو در کتابهای راهنما بررسی شود. داستان در «فلسفه و کودک»، سکوی پرشی یا بهانه‌یی برای تحقیق فلسفی است.<sup>(۴۲)</sup>

«فلسفه و کودک» بدنبال جریانی است که پرسیدن، جستجو و کاوشگری را به کودکان آموزش میدهد. از روزگار سقراط، گفتگو راه مؤثری برای یافتن پاسخ اساسیترین پرسشهای زندگی بشمار می‌آمده است و بنظر برخی از فلاسفه، زبان ابزار لازم را برای تفکر را فراهم میکند و کودکان با مشارکت و همکاری، قادر به تفکر در

آموزش معارف و مسائل دینی دارای مراتب و درجاتی است و هر مرتبه و درجه‌یی از آن، اصول و مقتضیاتی دارد که باید مراعات شود. تفاوت این مراتب و درجات بدلیل تفاوتهای فردی در رشد استعدادهای ذهنی و روحی و نیز تفاوت در معلومات و تجربیات و شرایط گوناگون اجتماعی و فرهنگی در متعلمان است.

سطح بالاتری میشوند. هدف کلی برنامه «فلسفه و کودک» ایجاد مباحثه فلسفی بوسیله آفرینش جامعه‌های کاوشگر در سطح کلاس است.<sup>(۴۳)</sup>

«فلسفه در آموزش و پرورش اعمال میشود تا دانش‌آموزانی ماهر در استدلال و درایت بسازد». این برنامه، نوعی فلسفه کاربردی است؛ به این معنی که شاگردان وادار به فلسفیدن و انجام فعالیت فلسفی شوند. کودکان آزادند به فلسفه و فعالیت فلسفی که به عقاید و تمایلات خودشان مربوط است فکر کنند. هدف این است که به کودکان کمک شود تا از حالت عادی به حالت اندیشمندانه، از بی‌تفاوتی به اندیشه‌ورزی و از تفکر معمولی به تفکر انتقادی حرکت کنند.<sup>(۴۴)</sup>

سبکهای آموزش در دوران کودکی بگونه‌یی است که کودکان را واجد تفکر نقّاد و خلاق نمیکند و به همین دلیل آنان در دوران جوانی از مهارتهای زندگی که براساس قدرت تمییز شکل میگیرند، برخوردار نیستند. روشهای سنتی آموزشی، حفظ کردن مطالب است و حفظ کردن مطالب و انباشتن ذهن از مجموعه‌های وسیعی از اطلاعات، گونه‌یی مهارت فکری کم‌ارزش و سطحی را به کودکان ارائه میدهد. فراتر از چنین مهارتی، باید به کودک قدرت مفهوم‌سازی، تحلیل مفهومی، استدلال، نقد و داوری را نیز آموخت. بیان تمثیلی یادگیری ماهی‌گیری و نه دادن ماهی به فرد اشاره به این نکته دارد.



برای تقویت و ایجاد رفتاری ثابت و عادی استوار در کودک و نوجوان، باید از مجرای «تکرار» وارد شد. بسیاری از افکار و اعمال در سایه تمرین و عمل مکرر در انسان تثبیت میشوند. حتی ایمان آدمی هم نوعی تثبیت در سایه عمل است (لا یثْبُتُ الاِیمانُ الاّ بِالْعَمَلِ) و هر قدر عمل مکررتر باشد، امکان تثبیت آن بیشتر خواهد بود.

#### ۸. تعلیم و تربیت فلسفی کودکان چه نقشی در توجه آنها به نیایش و پرستش دارد؟

کودکی که مجهز به تفکر انتقادی و مراقبتی است و توانایی چون و چرا و تجزیه و تحلیل و بالاتر از همه به قول فارابی «جودت رأی» و «قدرت تمییز و تشخیص» دارد، بی‌گمان، ذهن خلاقتری نیز دارد و این توانایی را دارد که با اتکا به انواع تفکر، افقهای تازه‌یی را پیش دید خود بگشاید و اندیشه‌های تازه‌یی بیافریند. برای تقویت این نوع تفکر، روشهای گوناگونی وجود دارد. نمایش فیلم هرچند بسیار مؤثر است، ولی از همه سطحی‌تر است. کاربرد تصاویر به خلاق شدن ذهن کودکان کمک میکند و درجه سطحی بودنشان از فیلم کمتر است چون نیاز به قدرت تخیل بیشتری دارد و برای فهم تصویر و تفسیر آن باید نیروی بیشتری صرف کرد.<sup>(۴۵)</sup> خواندن داستان در کلاس درس و کارگاه فلسفه برای کودکان و تشویق کودکان به خواندن و در حین خواندن، بحث کردن، مؤثرترین روش است. در این زمینه نیز داستانهای قرآنی «احسن القصص» است و بهترین شیوه داستان‌پردازی در آن بکار رفته است. همچنین در آثار ادبی و شعری ما هم داستانهای فراوانی موجود است. با اینهمه، تردیدی نیست که داستانها نیاز به روزآمدسازی دارند؛ از اینرو تألیف و نه ترجمه داستانهای کوتاه تفکربرانگیز جهت تدریس در کارگاه فلسفه برای کودک

شاید بهترین گزینه باشد. این کار بسیار دشوار است، زیرا کسی که دست به تألیف چنین داستانهایی میزند باید هم فیلسوف باشد و هم روانشناس و هم تجربه کار در چنین کارگاههایی را داشته باشد و هم توانایی و مهارت کاربرد این مطالب را در داستان و داستان‌نویسی داشته باشد.<sup>(۴۶)</sup>

قرآن کریم بسیاری از مباحث اعتقادی، اخلاقی و فرهنگی را در قالب داستان مطرح کرده است. در تربیت عبادی نیز برای مأنوس کردن کودکان و نوجوانان با مفاهیم و تکالیف عبادی، بهتر است از داستانها و قصه‌هایی که در مورد عبادات و اهمیت آن است، استفاده کرد. تأثیر این نوع آموزش افزون بر سادگی آن و انتقال سریعتر محتوا، فهم مسائل انتزاعی را برای دانش‌آموزان آسانتر میسازد.<sup>(۴۷)</sup>

انباشتن ذهن کودکان از مفاهیم و تأکید صرف بر مهارتهایی که تنها به درد امتحان میخورد و آنها را به هنگام ارزشیابی به ظاهر موفق جلوه میدهد، مدنظر نبوده، در عوض ادراک مفاهیم دینی بعنوان مقدمه‌یی برای رشد عاطفی و تغییر نگرشهای دانش‌آموزان نسبت به آنها و انس با این مفاهیم مورد توجه قرار گرفته است. همچنین به «عمل صحیح» بعنوان حاصل تبعی «نگرشهای صحیح» تأکید شده است.<sup>(۴۸)</sup>

امروزه تقریباً تمام آموزشها در آموزش نظری خلاصه میشود. در تعلیم و تربیت نیز معمولاً عمومیت‌ترین هدفهای آموزشی، کسب دانش و اطلاعات است و حتی ارزشیابی هم بر همین اساس صورت میگیرد؛ در حالی که «دانستن» و «انجام دادن» دو مقوله‌یی است که اولی بدون دومی بی‌فایده است. حتی متأسفانه در معارف دینی نیز شرط دینداری در داشتن اطلاعات و دانش دینی منحصر شده است. عبدالعظیم کریمی میگوید:

امروزه بالای بزرگی که دامنگیر تربیت دینی شده، مربوط به آموزشهای نظری دینداری میشود. در نظام آموزش و پرورش ایران معرفت دینی و اطلاعات دینی صرف کاملاً بر هم منطبق شده‌اند. در حقیقت چنین تصور میشود که شرط قطعی دیندار بودن و درک دینی، داشتن تراکم

اطلاعات و اندوخته‌های حفظی و صوری دانش دینی است.<sup>(۴۹)</sup>

آموزش معارف و مسائل دینی دارای مراتب و درجاتی است و هر مرتبه و درجه‌یی از آن، اصول و مقتضیاتی دارد که باید مراعات شود. تفاوت این مراتب و درجات بدلیل تفاوت‌های فردی در رشد استعداد‌های ذهنی و روحی و نیز تفاوت در معلومات و تجربیات و شرایط گوناگون اجتماعی و فرهنگی در متعلمان است.<sup>(۵۰)</sup>

بدین روی، باید مطالب و مفاهیم آموزشی و دینی متناسب با سطح درک و قوای ذهنی و روانی متعلمان باشد. والدین و بزرگ سالان نباید توقع داشته باشند که کودک آنها سریع اهل عبادت و نماز شود. برنامه عادت دادن و آموزش آنها به عبادتی همچون نماز باید بر اصل تدریج مبتنی باشد. کودک نباید یکباره بار سنگینی از وظایف دینی را بر دوش خود احساس کند و خود را به انجام آن موظف بداند. تکالیف سنگین و زودهنگام و خارج از طاقت و توان کودک ممکن است صدمه‌یی جبران‌ناپذیر بر اعتقادات دینی و مذهبی او وارد آورد.

در تعالیم اسلامی، توصیه‌های فراوانی در زمینه آموزش تدریجی مسائل دینی شده است؛ امام جعفر صادق (ع) میفرماید:

وقتی کودک به سن سه سالگی رسید، از او بخواهید که هفت بار «لا اله الا الله» بگوید، سپس او را به حال خود واگذارید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد. در این هنگام، به او آموزش دهید که هفت بار بگوید «محمد رسول الله» و سپس تا چهارسالگی او را آزاد بگذارید. در آن هنگام، از وی بخواهید که هفت مرتبه «صلی الله علیه و آله» را تکرار نماید و سپس تا پنج سالگی او را رها کنید. در این وقت، اگر کودک دست راست و چپ خود را تشخیص داد، او را در برابر قبله قرار دهید و سجده را به او بیاموزید و در سن شش سالگی رکوع و سجود و دیگر اجزاء نماز را به او آموزش دهید. وقتی هفت سال او تمام شد، به او بگویید

دست و صورت خود را بشوید (در مورد وضو نیز بتدریج، وضو گرفتن را به او بیاموزید) سپس به او بگویید نماز بخواند. آنگاه کودک را به حال خود واگذارید تا نه سال او تمام شود... در این هنگام، وضو گرفتن صحیح را به او بیاموزید و او را به نماز خواندن وادارید.<sup>(۵۱)</sup>

تکرار و استمرار سبب یادگیری درست، سرعت عمل و کسب مهارت در هر زمینه‌یی میشود؛ «کار نیکو کردن از پر کردن است.»

قائمی در اینباره میگوید: برای تقویت و ایجاد رفتاری ثابت و عادت‌ی استوار در کودک و نوجوان، باید از مجرای «تکرار» وارد شد. بسیاری از افکار و اعمال در سایه تمرین و عمل مکرر در انسان تثبیت میشوند. حتی ایمان آدمی هم نوعی تثبیت در سایه عمل است (لا یثبِتُ الاَیْمَانُ اِلَّا بِالْعَمَلِ)<sup>(۵۲)</sup> و هر قدر عمل مکررتر باشد، امکان تثبیت آن بیشتر خواهد بود.

همچنین فلسفی مینویسد:

برای اینکه کودکان از اول مؤمن و خداپرست تربیت شوند، لازم است جسم و جان آنها نیز از نظر ایمان هماهنگی برقرار باشد. به همین جهت، اسلام از طرفی پدران و مادران را مکلف نموده که فرزندان را به خدا متوجه کنند و به آنان خداپرستی و تعالیم دینی را بیاموزند و از طرف دیگر، دستور داده اطفال را به نماز و عبادت‌تربینی وادارند.<sup>(۵۳)</sup>

شیوه قرآن در تشریح احکام و تبیین مبانی نظری و عملی دین، تکیه بر فهم آدمی است. قرآن در بسیاری از موارد، اندیشه آدمی را به قضاوت درباره سرانجام اعمال یا چرایی نیک و بد فرامیخواند. چنانکه علامه طباطبایی بیان داشته که خداوند در سراسر قرآن کریم هیچ کجا امر به ایمان کورکورانه نکرده است و حتی گاه در میان آیات، علل احکام و شرایع را نیز بیان میکند. به یک معنا قرآن، مبنای دعوت خود را بر ادراک عقلی انسان نهاده و او را به کسب بیشش دعوت میکند. قرآن انسان را خلیفه خداوند<sup>(۵۴)</sup>، امانتدار او<sup>(۵۵)</sup> و دارای بزرگترین ظرفیت

علمی<sup>(۵۶)</sup> میخواند.<sup>(۵۷)</sup> از اینرو، مهمترین رسالت تربیت دینی پرورش اندیشه متربی است که این خود مستلزم یک اندیشه‌شناسی دقیق است. بویژه در حوزه تربیت کودکان، شناخت ویژگیهای اندیشه اهمیت بسزایی دارد؛ چراکه در این حوزه، کوچکترین گام اشتباه، تأثیراتی ماندگار بر فرد خواهد داشت.

عمده‌ترین دلیل عدم موفقیت در تربیت دینی کودکان، نقص در برنامه‌هایی است که بدلیل عدم شناخت ارائه میشود.

عدم آگاهی از برداشتهای کودکانه، تعلیم و تربیت ما را دچار نواقص و کمبودهای گوناگون خواهد کرد. از جمله اینکه سبب خواهد شد معارف دینی در سطوحی ارائه شود که با فهم کودکان متناسب نباشد و گاه این مایه خستگی و دلزدگی آنان از معارف دینی و حتی اصل اسلام میشود. افزون بر اینکه تفکر خام و محدود، آنان را نه تنها از تصورات و برداشتهای غیرواقعی نجات نمیبخشد، بلکه این تصورات دور از واقعیت را تقویت خواهد کرد؛ زیرا کودک ناچار است برای درک مفاهیمی فراتر از استعداد خویش به همان تفکرات کودکانه روی آورده و از این طریق خود را قانع سازد.<sup>(۵۸)</sup>

از آنجا که انسان موجودی اثرگذار، اثرپذیر و دارای قوه انتخاب و اراده آزاد است، بنابراین برای شکوفایی و به فعلیت رساندن قوا و استعدادهایش نیاز به تربیت دارد و تنها، تربیت دینی است که میتواند نیازهای گوناگون انسان را برآورده سازد و زمینه رشد و تکامل همه‌جانبه او را، بویژه در بعد معنوی و الهی، فراهم نماید. تربیت، هدایت و اداره جریان ارتقایی و تکاملی انسان است؛ بگونه‌یی که انسان را بسوی خداوند متعال جهت دهد. تربیت، احیای فطرت خدا آشنای انسان و پرورش ابعاد وجودی او در جهت حرکت بسوی بی‌نهایت است.<sup>(۵۹)</sup>

باعتماد ملاحظه‌کنندگان، تعلیم و تربیت باید بصورت مرحله به مرحله انجام پذیرد. نفس برای رسیدن به کمال، از آغاز پیدایش خود در بدن، مراحل را پشت سر میگذارد و قوای مندرج در نفس نباتی، حیوانی، انسانی و ملکوتی

بتدریج پدیدار میشوند. پس تعلیم و تربیت نیز مبیاست تدریجی و مرحله به مرحله انجام گیرد و در هر مرحله، برنامه‌های متناسب با همان مرحله تدبیر شود. تعلیم مفاهیم فلسفی و کلی به کودکان پیش از ورود به مرحله عقلانی، شدنی نیست. کودک در مرحله خاصی فقط عینیات را درک میکند و درک مفاهیم انتزاعی برای او دشوار است. برنامه‌های تربیتی با مراحل تکاملی باید تناسب داشته باشد. در نظام تعلیم و تربیت صدراایی، تعلیم و تربیت باید فراگیر باشد؛ چنانکه حس، خیال و عقل را دربرگیرد. تمام جنبه‌های وجود آدمی و تمام جلوه‌های فردی، جسمی و روحی (شناختی - عاطفی) باید هماهنگ با یکدیگر تربیت شوند و صرف آموختن علوم بدون پرورش اخلاقیات هرگز انسان را به غایت نمیرساند بلکه تربیت و تزکیه در کنار هم سودمند می‌افتند. رشد شناختی باید با رشد اخلاقی کودک همخوانی داشته باشد.<sup>(۶۰)</sup>

### نتیجه‌گیری

انسان، عصاره هستی و دارای قوا و استعدادهای مختلف است. مهمترین ویژگی انسان، جنبه الهی و ملکوتی است که او را در کل نظام هستی نسبت به دیگران برتر و ممتاز نموده و محور نظام آفرینش قرار داده است. یکی از اصیلترین تجلیات روح آدمی و ضروریترین نیازهای روحی بشر، حس پرستش و نیاز به عبادت است. از آنجاکه خداشناسی و خداگرایی فطری بشر است، بشر همواره در طول تاریخ بدنبال پرستش و عبادت معنوی بوده است. به این ترتیب برای علاقمند کردن کودکان به فراگیری و انجام تکالیف عبادی، ضروری است اقدامهای لازم و مقتضی را از همان دوران کودکی بعمل آورد و با برنامه‌ریزی دقیق سعی کرد مطالب دینی و عبادی مورد نیاز و ضروری را بصورت ساده و قابل‌فهم به آنان آموزش داد و آنها را به انجام این اعمال و پایبندی به آن تشویق کرد.



از مهمترین عوامل بی‌توجهی کودکان به تکالیف عبادی، افزون بر عدم داشتن آگاهی از فلسفه و آثار عبادات، عدم زمینه‌سازی و بی‌توجهی و یا عدم تقید و اهتمام خود والدین نسبت به انجام به موقع تکالیف عبادی است. وظیفه نهاد آموزش و پرورش نیز بعد از ورود دانش‌آموز به مدرسه آغاز میشود؛ بدیهی است که تربیت فرایندی یک‌سویه نیست و مدرسه بتنهایی قادر به تربیت کودک نمیباشد. در حقیقت، تربیت صحیح و همه‌جانبه در قالب برنامه‌ریزی علمی و عملی و با همکاری و همراهی اولیا و مربیان عزیز و هماهنگی مبانی، اصول و شیوه‌های تربیتی میان خانه و مدرسه حاصل میشود.

زمانی که تفکر انتقادی بعنوان جلوه‌یی از تعلیم و تربیت مبتنی بر فلسفه و کودک در متری شکوفا گردد، آنگاه او نه تنها تصور جامعی از خویش و دنیای پیرامون خود دارد، بلکه فراگردهای تولید و انتقال معنا را هم درک کرده و تصویر روشنی از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فکری و فرهنگی خواهد داشت. لازم است بر این نکته تأکید گردد که رشد دینی در کودکان بصورت یک فرایند چند مرحله‌یی است که شناخت آن در تربیت صحیح بسیار مهم و کلیدی است.

#### پی‌نوشتها:

۱. مطهری، مرتضی، *احیای تفکر اسلامی*، ص ۱۵.
۲. همو، *مجموعه آثار*، ج ۲، ص ۹۷.
۳. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، ج ۵، ص ۳۱۲.
۴. خلعتبری، حسام‌الدین، آقا جعفری، زهرا، «ارزیابی اهداف برنامه آموزش فلسفه به کودکان از دیدگاه تفکر در اندیشه اسلامی»، *مجله فلسفه و کودک*، ش ۵ و ۶، ص ۴۵.
۵. فضل‌الله، محمدرضا، «درآمدی بر تربیت دینی با توجه به پیشرفت ادراکات دینی در کودکان و نوجوانان»، *ترجمه فرزدق اسدی، مجله مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۳، ص ۱۳۹.
۶. قائمی، علی، *نگرش و رفتار دینی در دانش‌آموزان*، ص ۸۳.

۷. مقربی، نواب، «آسیب‌شناسی شالوده‌های فلسفی برنامه فلسفه برای کودک از چشم‌انداز حکمت اسلامی»، *فصلنامه فلسفه و کودک*، ش ۱۱، ص ۶۴.
۸. فقیهی، علیرضا؛ آذربایجانی، احمدرضا، «تقوا و ایمان لازمه تربیت فلسفی در کودکان با تکیه بر قرآن و سخنان ائمه و معصومین (علیهم‌السلام)»، *فصلنامه فلسفه و کودک*، ش ۱۲، ص ۳۵.
۹. *بحارالانوار*، ج ۳، ص ۲۸۱ و ۲۸۲.
۱۰. *نهج‌البلاغه*، محمد دشتی، نامه ۳۱.
۱۱. مطهری، مرتضی، *فلسفه اخلاق*، ص ۱۲۰.
۱۲. همانجا.
۱۳. همان، ص ۱۲۱.
۱۴. همانجا.
۱۵. ملکی تبریزی، میرزاد جواد آقا، *المراقبات فی اعمال السنه*، ترجمه کریم فیضی، ص ۱۶۸.
۱۶. *بحارالانوار*، ج ۹، ص ۳۰۸.
۱۷. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، ج ۵، ص ۱۹۰.
۱۸. ر.ک: *سوره ق*، آیه ۱۶.
۱۹. ر.ک: *سوره بقره*، آیه ۱۸۶.
۲۰. *مستدرک الوسائل*، ج ۵، ص ۱۶۷.
۲۱. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، *قرب‌الاسناد*، ص ۸۴ ح ۲۷۷.
۲۲. *بحارالانوار*، ج ۹، ص ۲۹۵.
۲۳. همان، ج ۹۰، ص ۳۰۳.
۲۴. کلینی، محمدبن یعقوب، *اصول کافی*، ج ۲، ص ۴۶۷.
۲۵. *مستدرک الوسائل*، ج ۷، ص ۱۷۹.
۲۶. همان، ج ۵، ص ۱۸۱.
۲۷. *مجموعه آثار*، ج ۲، ص ۲۷۷.
۲۸. همان، ص ۲۸۴.
۲۹. همان، ص ۲۸۵.
۳۰. مطهری، مرتضی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، ص ۳۴۵.
۳۱. مالرو، آندره، *سرنوشت بشر*، ترجمه سیروس ذکاء، ص ۲۰۸.
۳۲. ر.ک: نصری، عبدالله، *خدا در اندیشه بشر*.
۳۳. ر.ک: همانجا.
۳۴. ر.ک: همانجا.
۳۵. *فلسفه اخلاق*، ج ۲، ص ۹۶.
۳۶. لطف‌آبادی، حسین، «رویکرد نو به فلسفه تعلیم و تربیت»، *فصلنامه نوآوریهای آموزشی*، س ۶، ش ۲۰، ص ۱۱-۴۰.



## منابع فارسی:

۱. قرآن کریم.
۲. حرّ عاملی، محمدبن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۳. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۴. خلعتبری، حسام‌الدین؛ آقاجعفری، زهرا، «ارزیابی اهداف برنامه آموزش فلسفه به کودکان از دیدگاه تفکر در اندیشه اسلامی»، *مجله فلسفه و کودک*، ش ۵ و ۶، ص ۴۵ تا ۷۰، ۱۳۹۳.
۵. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، «جزوه راهنمای برنامه تعلیم و تربیت اسلامی دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه»، مصوب هفتصد و سی و پنجمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۵.
۶. دبو، ماکس، *کودکان تحقیقگر، آموزش چالشگر*، ترجمه سعید فضایی هاشمی، مشهد، انتشارات به نشر (آستان قدس رضوی)، ۱۳۸۳.
۷. سادات، محمدعلی، *رفتار والدین با فرزندان*، تهران، انتشارات اولیا و مربیان، ۱۳۸۰.
۸. شعاری نژاد، علی‌اکبر، *فلسفه آموزش و پرورش*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۹. شعبانی، حسن، *مهارت‌های آموزشی و پرورشی «روشنا و فنون تدریس»*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱.
۱۰. صفایی‌مقدم، مسعود و همکاران، «بررسی تأثیر اجتماع پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز»، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، س ۱۳، ش ۲، ص ۳۱ تا ۳۱۵، ۱۳۸۵.
۱۱. فروم، اریک، *روانکاوی و دین*، ترجمه آرسن نظریان، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۹۳.
۱۲. فضل‌الله، محمدرضا، «درآمدی بر تربیت دینی با توجه به پیشرفت ادراکات دینی در کودکان و نوجوانان»، ترجمه فرزاد اسدی، *مجله مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ش ۳، ص ۱۲۳ تا ۱۴۲، ۱۳۷۹.
۱۳. فقیهی، علیرضا؛ آذربایجانی، احمدرضا، «تقوا و ایمان لازمه تربیت فلسفی در کودکان با تکیه بر قرآن و سخنان ائمه و معصومین (علیهم‌السلام)»، *مجله فلسفه و کودک*، ش ۱۲، ص ۲۳ تا ۳۶، ۱۳۹۴.
۱۴. فلسفی، محمدتقی، *گفتار فلسفی؛ کودک از نظر وراثت و تربیت*، تهران، نشر معارف اسلامی، ج ۲، ۱۳۸۷.
۳۷. صفایی‌مقدم، مسعود و همکاران، «بررسی تأثیر اجتماع پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدرسه دولتی اهواز»، *مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ش ۲، ص ۵ - ۳۱.
۳۸. ر.ک: دبو، ماکس، *کودکان تحقیقگر، آموزش چالشگر*، ترجمه سعید فضایی هاشمی.
۳۹. ر.ک: شعاری نژاد، علی‌اکبر، *فلسفه آموزش و پرورش*.
۴۰. *کودکان تحقیقگر، آموزش چالشگر*، ص ۸۷.
41. See: Lipman, M., *Thinking in Education*.
42. See: Sharp, A.M., "Interview with Ann Margaret Sharp by Saeed Naj'fi. Retrieved March 2007 from: <http://www.p4c.ir/Index/Ever/Intreview>.
۴۳. ر.ک: فیشر، رابرت، *آموزش تفکر*، ترجمه فروغ‌کیان‌زاده.
۴۴. همان، ص ۶۲.
۴۵. «آسیب‌شناسی شالوده‌های فلسفی برنامه فلسفه برای کودک از چشم‌انداز حکمت اسلامی»، *فصلنامه فلسفه و کودک*، ش ۱۱، ص ۵۴.
۴۶. همان، ص ۵۵.
۴۷. ملکی، حسن و همکاران، «تربیت عبادی کودکان»، *مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، س ۳، ش ۱، ص ۱۲۱.
۴۸. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، «جزوه راهنمای برنامه تعلیم و تربیت اسلامی دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه»، مصوب هفتصد و سی و پنجمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، ص ۱۱.
۴۹. کریمی، عبدالعظیم، *تربیت آسیب‌زا*، ص ۲۲.
۵۰. سادات، محمدعلی، *رفتار والدین با فرزندان*، ص ۲۷.
۵۱. حرّ عاملی، محمدبن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، ج ۱۵، ص ۱۹۳.
۵۲. *اصول کافی*، ج ۱، کتاب الکفر و الایمان.
۵۳. فلسفی، محمدتقی، *گفتار فلسفی؛ کودک از نظر وراثت و تربیت*، ج ۲، ص ۱۸۶.
۵۴. ر.ک: سوره بقره، آیه ۳۰.
۵۵. ر.ک: سوره احزاب، آیه ۷۲.
۵۶. ر.ک: سوره بقره، آیه ۳۱.
۵۷. مهاجری، محمدکاظم و همکاران، «تفکر انتقادی و نقش داستان در پرورش آن (با رویکرد تربیت دینی کودکان)»، *فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی*، دوره ۱۰، ش ۲۶، ص ۴۳.
۵۸. همانجا.
۵۹. زمینه تربیت، ص ۲۷.
۶۰. «آسیب‌شناسی شالوده‌های فلسفی برنامه فلسفه برای کودک از چشم‌انداز حکمت اسلامی»، *فصلنامه فلسفه و کودک*، ش ۱۱، ص ۶۰.

۱۵. فیشر، رابرت، *آموزش تفکر*، ترجمه فروغ کیانزاده، اهواز، انتشارات رسش، ۱۳۸۵.
۱۶. قائدی، یحیی، «نقد و بررسی مبانی، دیدگاهها و روشهای آموزش فلسفه به کودکان»، رساله دوره دکتری دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۸۲.
۱۷. قائمی، علی، *نگرش و رفتار دینی در دانش آموزان*، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۷۴.
۱۸. -----، *زمینه تربیت*، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۷۸.
۱۹. فرامرز قراملکی، احد؛ امی، زهرا، «مقایسه سبکهای لیمن و برنی فیه»، *فصلنامه اندیشه نوین دینی*، ش ۲، ص ۷ تا ۲۴، ۱۳۸۴.
۲۰. کریمی، عبد العظیم، *تربیت آسیب‌زا*، تهران، انتشارات اولیا و مریان، ۱۳۷۳.
۲۱. کاظمی تبریز، میترا، «حکمت نیایش و پرستش از دیدگاه ابن عربی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی*، ۱۳۹۴.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۳.
۲۳. لطف‌آبادی، حسین، «رویکردی نو به فلسفه تعلیم و تربیت»، *فصلنامه نوآوریهای آموزشی*، س ۶، ش ۲۰، ص ۱۱ تا ۴۰، ۱۳۸۶.
۲۴. مالرو، آندره، *سرنوشت بشر*، ترجمه سیروس ذکاء، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۰.
۲۵. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴.
۲۶. مطهری، مرتضی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵.
۲۷. مطهری، مرتضی، *احیای تفکر اسلامی*، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۹۲.
۲۸. -----، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ۱۳۹۴.
۲۹. مقربی، نواب، «آسیب‌شناسی شالوده‌های فلسفی برنامه فلسفه برای کودک از چشم‌انداز حکمت اسلامی»، *فصلنامه فلسفه و کودک*، ش ۱۱، ص ۵۳ تا ۶۸، ۱۳۹۴.
۳۰. ملکی تبریزی، میزرا جواد آقا، *المراقبات فی اعمال السنه (مراقبتهای اخلاقی در ایام و ماههای قمری)*، ترجمه کریم فیضی، قم، انتشارات قائم آل محمد (عج)، ۱۳۹۲.
۳۱. ملکی، حسن و همکاران، «تربیت عبادی کودکان»، *مجله اسلام و پژوهشهای تربیتی*، س ۳، ش ۱، ص ۱۰۵ تا ۱۳۲، ۱۳۹۰.

۳۲. مهاجری، محمد کاظم و همکاران، «تفکر انتقادی و نقش داستان در پرورش آن (با رویکرد تربیت دینی کودکان)»، *فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی*، دوره ۱۰، ش ۲۶، ص ۳۱-۵۳، ۱۳۹۲.
۳۳. نصری، عبدالله، *خدا در اندیشه بشر*، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۳.
۳۴. نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، موسسه آل البیت(ع)، ۱۴۰۸ق.

### منابع انگلیسی:

1. Lipman, M., *Thinking in Education*, Cambridge University Press, 2001.
2. Sharp, A.M., "Interview with Ann Margaret Sharp by Saeed Naj F", retrieved March 2007 from: <http://www.p4c.ir/Index/Ever/Intreview>, 2006.